

عید غدیر در اسلام

<"xml encoding="UTF-8?">



عید غدیر در اسلام

کتاب ارزشمند و عظیم (الغدیر)، اثر محقق بزرگوار و عاشق اهل بیت و مدافع بزرگ حریم ولایت و امامت، علامه عبدالحسین امینی (1320 - 1390 ق) از ذخائر گرانقدر شیعه است که بر اساس قرآن و حدیث و منابع تاریخی به دفاع از حق و رفع و دفع شبهات مخالفان پرداخته و از چنان تتبع و کاوشی عمیق برخوردار است که برای بعضی باور این نکته که این کار بزرگ و سترک از عهده یک نفر برآید، دشوار است. مباحث سودمند و ابتکاری که در الغدیر آمده، سزاوار آگاهی عموم است. اصل کتاب به زبان عربی است و به فارسی هم ترجمه شده است. اما شاید بسیاری از علاقه مندان ولایت، حوصله یا مجال مطالعه مجموعه عظیم و چند جلدی الغدیر را نداشته باشند.

از این رو این موسسه بر آن شد که برخی از موضوعات بحث شده در (الغدیر) را، بصورت گزینشی و خلاصه، تدوین و در اختیار عموم قرار دهد، تا ازاین چشمه فیض، بهره مند شوند. در این کار، علاوه بر ترجمه، نوعی تلخیص و چکیده نویسی به کار رفته است، تا مباحث مبسوط و فنی و نقلهای فراوان یک مساله از منابع بیشمار، برای خواننده فارسی زبان خسته کننده نباشد.

امید است که این سلسله جزوات، پیروان اهل بیت (علیهم السلام) را با معارف شیعی و دیدگاه ها و تحقیقات

علامه امینی در اثر ماندگارش (الغدیر) آشناتر سازد و گامی در تقدیر از خدمات و زحمات این بزرگ مدافع ولایت علوی محسوب گردد و عنایات خاصه مولی الموحدين، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) را فراهم آورد. ان شاء الله.

معاونت پژوهش های فارسی

پیشگفتار مترجم

در اینکه (امامت)، تداوم خط نورانی (رسالت) و ضامن اجرای احکام خدا در جامعه است، شکی نیست و بدون این پشتوانه، دین الهی از حالت قانون به صورت اجرا در نمی آید.

پیش بینی مکتب وحی برای این منظور، همان (وصایت) است که در مورد پیامبران گذشته نیز تحقق داشته و انبیاء الهی برای ادامه دین خدایس از خودشان (وصی) معرفی می کردند تا هادی مردم و مبین شریعت باشد.

در اسلام، آن چه که در روز هیجدهم ذی حجه سال دهم هجری در (غدیر خم) پیش آمد و حضرت رسالت، به فرمان الهی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را به امامت و وصایت و خلافت تعیین نمود، یکی از حلقه های همین سلسله نورانی و رشته مستمر (وصایت) بود. دراهمیت آن نیز، همین بس که خداوند به پیامبرش فرمان اکید داد که آن را به مردم (ابلاغ) کند و گرنه رسالت خدا را ابلاغ نکرده است. پس از انجام آن مراسم نیز، آیه (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...) نازل شد که نشان دهنده جایگاه والای ولایت و رهبری در اکمال دین و اتمام نعمت است.

غدیر، کاشتن بذر ولایت در جان ها بود و نشان دادن خورشید، به گرفتاران ظلمتها. پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) در غدیر خم، برای مسلمانانی که (طاعت خدا) را در (اطاعت از رسول) به اثبات رسانده بودند، رهنمود داد که (اطاعت از اولی الامر) را هم در این قائمه قرار دهند، که آن هم اطاعت از خداست.

از این رو، غدیر خم، عید ولایت و رهبری، عید عدالت و حق گستری و عید بشریت و روز (انسان) است، روز پیمان و میثاق با (ولی خدا) و (دین خدا) و (رسول خدا).

دریغ است که بشر، سرچشمه ساز زلال (ولایت علی) سیراب نشود.

بدون ولایت علی، کشتی مسلمانان به ساحل نجات و امنیت نمی رسد. در دنیای طوفان زده ما، نوح، علی (علیه السلام) است که ره شناس است و موج آشنا و قاطع و هادی. امت بی امام، رمه ای بی چوپان است و گله ای بی شبان و کشتی بی ناخدا و راه بی علامت و شب بی چراغ! برای پیمودن این راه، چه کسی ره شناس تر از (مولود

کعبه)؟ و قاطع تر از (ابوتراب) و پسندیده تر از (مرتضی) و والاتر از (علی)؟

این بود که رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) از سوی پروردگار فرمان یافت تا (حق مجسم) را آشکارا در بازگشت از (حجه الوداع)، به مردم معرفی کند و (علی بن ابی طالب) (علیه السلام) را به امامت و خلافت نصب نماید تا پس از وی، مردم در حیرت و ضلالت نمانند. پس، چه روزی شایسته تر از (غدیر) برای عید گرفتن و بزرگ داشتن و شادمانی کردن؟

آن چه می خوانید، فشرده بحثی است که مرحوم (علامه امینی) در جلد اول کتاب ارزشمند (الغدیر)، تحت عنوان (عید الغدیر فی الاسلام) (1) آورده و با استفاده از منابع فراوان اهل سنت و با تکیه بر روایات و نقل های راویان و بزرگان آن فرقه، هم به عید بودن غدیر اشاره کرد، هم ریشه تاریخی موضوع را از زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) بررسی نموده است و این که این مساله، از روزگار حضرت رسول و از زبان و زمان او مطرح بوده است، نه آن که از اختراعات شیعه در قرون بعد و به دست معزالدوله باشد. تبریک و تهنیت گویی مسلمانان، بخصوص ابوبکر و عمر را به علی بن ابی طالب (علیه السلام) در همان روز غدیر به صورت مستند آورده و بحثی محققانه هم درباره سلسله سند این نقلها و روایات و معتبر بودن راویان و ناقلان حدیث غدیر و حدیث تهنیت، از دیدگاه خود اهل سنت انجام داده است.

بخش (عنایت خدا و رسول به غدیر) از صفحه 12 همین جلد گرفته شده است.

در مواردی که نقلهای متعدد از منابع مختلف، پیرامون یک موضوع آمده، جهت پرهیز از طولانی شدن نوشته، به ترجمه بعضی از آن نقلها اکتفا شده و به مضمون و محتوای بقیه موارد اشاره شده است.

امید است که این نوشته، خوانندگان گرامی را با گوشه ای از معارف والای گنجینه پرگوهر (الغدیر) آشنا سازد و گامی کوچک در ارج نهادن به کار عظیم حضرت علامه امینی (ره) به شمار آید.

قم - جواد محدثی

دی 1375

عنایت خدا و رسول به (غدیر)

خدای سبحان عنایتی فراوان داشت که حدیث و ماجرای (غدیر خم) علنی و آشکار باشد، تا زبان ها و نقل های راویان پیوسته بر مدار آن بچرخد، تا آن که حجت و دلیلی آشکار برای حمایتگر بزرگوار دینش حضرت امام علی

(علیه السلام) گردد.

از این رو، ابلاغ این ماموریت را هنگامی به پیامبرش داد، که همراه جمعیت انبوهی از حج اکبر بازمی گشت. پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) نیز در حالی این دعوت را ابلاغ کرد که توده های وسیعی از مردم از شهرها و آبادی های مختلف بر گرد او بودند. فرمان داد تا جلو رفتگان برگردند و عقب ماندگان برسند، آن گاه پیام را به همه گوش ها رساند و به حاضران فرمان داد تا به غایبان برسانند، تا همگان راوی این حدیث باشند، در حالی که حاضران بیش از صد هزار نفر بودند.

خداوند به این مقدار بسنده نکرد، بلکه در این باره آیاتی نازل فرمود، تا پیوسته و با گذشت روز و شب، تلاوت شود، تا مسلمانان هر لحظه به یاد این ماجرا باشند و راه و پیشوایی را که باید به او روی آورند و دین خود را از او فرا گیرند، بشناسند.

این عنایت و توجه خاص را رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نیز داشت، آن حضرت در آن سال، گروههای مختلف مردم را به حج فرا خواند و مردم، دسته دسته به او پیوستند و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می دانست که در پایان این سفر، آن (خبر بزرگ) را به آنان خواهد داد؛ خبری که قوام بخش بنای مکتب و مایه سروری امت اسلام برامتهای

دیگر و سیطره حکومت اسلام بین خاور و باختر می شد، اگر به مصالح امت می اندیشیدند و راه روشن هدایت را می دیدند و می پذیرفتند. (2)

به خاطر همین هدف بود که امامان (علیه السلام) پیوسته یادآور این واقعه بودند و برای اثبات امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به آن احتجاج و استدلال می کردند. خود حضرت امیر (علیه السلام) نیز در طول حیاتش به آن استدلال می کرد و در اجتماعات و جلساتی که مردم دور هم بودند، از کسانی که در صحنه غدیر حضور داشتند می خواست که آن را بازگو کنند و شهادت دهند. همه اینها به این جهت بود که داستان غدیر، علی رغم گذشت دورانها و سالها، همچنان تر و تازه و شاداب بماند.

از این رو به پیروان خود دستور می دادند که روز غدیر را عید گرفته، دور هم جمع شوند، به یکدیگر تبریک و شادباش گویند، تا آن حادثه بزرگ یاد شود (که اشاراتی به این مساله خواهد آمد).

در روز غدیر، شیعیان در کنار مرقد مقدس علوی، اجتماع شکوهمندی دارند که بزرگان قبایل و چهره های برجسته شهرهای دور و نزدیک، برای گرامیداشت این خاطره گرامی جمع می شوند و به نقل از پیشوایان دین، زیارت بلندی را روایت و تکرار می کنند که متضمن دلائل امامت و حجت های استواری از قرآن و حدیث در اثبات خلافت و به ویژه حدیث غدیر است. هر یک از آن هزاران نفر را می بینی که با شادی و مسرت، الفاظ آن را بر زبان جاری می سازد و خدا را سپاس می گوید که او را بر این راه روشن (ولایت)، رهنمون شده است و خود را راوی آن فضیلت و اثبات کننده آن می بیند که به مفاد آن حدیث، ایمان دارد. کسانی هم که توفیق حضور در آن گردهمایی مقدس را ندارند، در شهرهای دوردست، هر جا هستند آن زیارت را تلاوت کرده و از همانجا به قبر شریف مولی اشاره می

کنند.

روز غدیر، برنامه هایی از قبیل روزه، نماز و دعا دارد که همه، احیاگر یاد آند و شیعیان در شهرهای کوچک و بزرگ و دور و نزدیک و روستاها و آبادیها به آن می پردازند. میلیونها نفر شیعه که به یک سوم یا یک دوم مسلمانان تخمین زده می شوند، راوی این حدیث و معتقد به آند و آن را دین و آیین خویش قرار داده اند.

و اما کتب حدیث، تفسیر، تاریخ و کلام شیعه، بر هر کدام که دست بگذاری، می بینی که در اثبات داستان غدیر و استدلال به مفهوم حدیث غدیر، استوار و پرمطلب است، چه کتبی که احادیث را با سلسله سند تا به حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) نقل کرده، چه آن ها که به خاطر اتفاقی بودن حدیث میان همه فرقه های اسلامی، سند را نیاورده و احادیث را به صورت مرسل، نقل کرده است.

فکر نمی کنم که اهل سنت، در اثبات این حدیث و پذیرش صحت آن و گرایش به مفاد آن و صحیح شمردن احادیث غدیر و ادعای تواتر آن، خیلی کمتر و عقب تر از شیعیان باشند! البته به جز عده ای که بیراهه رفته اند و تعصب کورکورانه، آنان را به گفتار بی پایه واداشته است. آنان تنها خودشان را عالم و اندیشمند می پندارند. وگرنه، محققان برجسته و آگاه و خبره، هیچ شکی در اعتبار سلسله سند حدیث غدیر ندارند و سند آن را به صورت تواتر، به صحابه و تابعین می رسانند. (3)

عدم اختصاص به شیعه

از جمله چیزهایی که موجب جاودانگی داستان غدیر گشته و مفاد آن را ثابت و محقق ساخته است، (عید) قرار گرفتن آن است. روز غدیر، عید به شمار آمده و روز و شب آن همراه با عبادت و خشوع و جشن و نیکی به ضعیفان و توسعه بر خود و خانواده قرار گرفته است و مردم در این جشن، لباسهای خوب و زینتهای خود را می پوشند.

هرگاه که مردم به اینگونه امور گرایش داشته باشند، در پی عوامل آن رفته، از راویان آن جستجو کرده و به سرودن و نقل کردن پیرامون آن می پردازند و اینگونه در هر دوره ای، همه ساله توجه نسلیها به آن معطوف می شود و همواره سندهای واقعه و متون و اخبار مربوط به آن، خوانده می شود و ماندگار می گردد.

برای یک پژوهشگر در این مساله، دو چیز آشکار می گردد:

1 - اینکه این عید، تنها به شیعه مربوط نیست ؛ هرچند که شیعه، دلبستگی خاصی نسبت به آن دارد. فرقه های دیگر مسلمین هم در عید گرفتن غدیر، با شیعه شریکند و بزرگانی از غیر شیعه در فضیلت این روز و عید بودنش به خاطر تعیین امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مقام والای ولایت از سوی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله)

سخنانی ابراز کرده اند، چرا که این موسم، موسم شادمانی هواداران علی (علیه السلام) است، چه او را به عنوان جانشین بلافصل پیامبر بدانند، چه چهارمین خلیفه. (4)

کتب تاریخ، درسهایی از این عید بر ما می خواند و اینکه امت اسلامی در شرق و غرب، در عید بودن آن متفق اند و مصریان و مغربیان و عراقیان، به جایگاه آن اعتنا و اهتمام داشته اند و روز غدیر نزد آنان به عنوان روزی مشخص برای نماز، دعا، خطبه و مدیحه خوانی مشهور بوده است و نامگذاری این روز به عید، مورد اتفاق بوده است. (5)

ابن خلکان می نویسد: پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) هنگام بازگشت از مکه در حجه الوداع، وقتی به غدیر خم رسید، میان خود و علی (علیه السلام) عقد برادری بست و او را برای خود، همچون هارون برای حضرت موسی (علیه السلام) دانست و فرمود: (خدایا دوستدارانش را دوست بدار و دشمنانش را دشمن بدار، یارانش را یاور باشد و خوارکنندگان را خوار کن) و شیعه را به این روز، دلبستگی خاصی است. (6)

سخن ابن خلکان را مسعودی هم تایید کرده است، آن جا که می گوید: (فرزندان علی (علیه السلام) و شیعیان او این روز را بزرگ می دارند. (7)

ثعالبی نیز پس از آن که شب غدیر را از شبهای مشهور نزد امت شمرده است، می نویسد: و این، شبی است که فردایش پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) در غدیر خم، بر فراز جهاز شتران خطبه خواند و فرمود: (من کنت مولاه فعلی مولاه...) و شیعیان، این شب را گرمی داشته، به احیاء و عبادت می پردازند. (8) این، به خاطر عقیده شیعه بر این نکته است که نص صریح بر خلافت بلافصل امیرالمؤمنین (علیه السلام) وجود دارد و شهرت این شب به فضیلت و فرخندگی، بر اساس این باور است که در صبح این شب، حادثه ای مهم و فضیلتی آشکار روی داده و آن روز را مشخص کرده و عیدی فرخنده ساخته است، تا آن جا که در سروده ها نیز در باب نیکویی و مسرت و جلوه، به آن تشبیه می کنند. تهنیت و شادباش گفتن ابوبکر و عمر و همسران پیامبر و صحابه آن حضرت، به علی (علیه السلام) که به فرمان پیامبر بود، از نشانه های دیگر عید بودن این روز است، چرا که تبریک و تهنیت، از ویژگیهای عیدها و روزهای شادمانی است.

سابقه عید غدیر

2 - سابقه این عید، به زمانی دیرین و پیوسته به دوران پیامبر (صلی الله علیه وآله) می رسد. آغاز آن همان روز غدیر در حجه الوداع بود، که پیامبر خدا پایگاه و قرارگاه خلافت بزرگ خویش را بیان کرد و جایگاه دینی و دنیوی حاکمیت خویش را برای جامعه دینی روشن ساخت و سطح بلند و والای دینش را برای مردم تعیین نمود. از این رو، روزی برجسته گشت و جایگاه آن هر معتقد به اسلام را شادمان ساخت، زیرا پس از این رخداد، خاستگاه انوار فروزان دین روشن گشت و دیگر هوسها و جهالتها نخواهد توانست دین را به این سو و آن سو بگرداند. چه روزی

بزرگتر از غدیر، که خطوط اصلی سنتها و روشهای روشن دین آشکار گشت و آیین به کمال رسید و نعمت پایان گرفت، چیزی که قرآن، آن را اعلام نمود.

اگر روز بر تخت نشستن پادشاهان شایسته است که جشن و چراغانی گرفته شود و اجتماعات برپا گردد و سخنرانیها و سرودها و مهمانیها برپا شود - آن چنان که میان ملتها و نسلا رایج است - پس روزی که حکومت اسلامی و ولایت دینی به فرمان صریح خداوند استقرار یافت و پیامبری که جز به حق سخن نمی گوید، آن را بیان کرد، سزاوارتر است که عید گرفته شود و چون این عید، از اعیاد دینی است، لازم است که غیر از جشن و شادمانی، چیزهایی به آن افزوده گردد که موجب قرب به خداوند است، همچون روزه، نماز، دعا و...

از این رو، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمان داد همه کسانی که در صحنه غدیر حضور داشتند، از جمله ابوبکر و عمر و بزرگان قریش و چهره های برجسته انصار و همسران پیامبر، به حضور امیرالمؤمنین شرفیاب شوند و او را به خاطر این منصب والا تهنیت بگویند.

متن تبریک

محمد بن جریر طبری، ضمن بیان ماجرای آن روز، چنین آورده است :

سپس پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: ای مردم ! بگویید: (با تو پیمان بستیم و با زبان و دست بیعت کردیم و متعهد شدیم که به فرزندان و خانواده خویش برسانیم و جایگزینی بر آن نخواهیم گزید و خدا را بر این میثاق، شاهد می گیریم). آن چه را گفتم، بگویید و به علی (علیه السلام) به عنوان (امیرالمؤمنین) سلام دهید و بگویید: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ) - خدا را سپاس که به این مرام، هدایتمان فرمود و اگر خدا هدایت نمی کرد، راه را نمی یافتیم - همانا خداوند هر صدایی و نهانی را می داند. هرکس پیمان شکند، به زیان خویش پیمان شکسته است و هرکس به پیمان وفا کند، خداوند پاداشی بزرگ می دهد. چیزی بگویید که خدا را از شما راضی سازد و اگر ناسپاسی و کفران کنید، همانا خداوند از شما بی نیاز است.

زید بن ارقم گوید: آن گاه مردم شتافتند و چنین می گفتند: آری ! شنیدیم و گوش به فرمان خدا و رسول را به جان می پذیریم.

اولین کسانی که با پیامبر و علی (علیه السلام) دست دادند، عبارت بودند از: ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه، زبیر و باقی مهاجرین و انصار و مسلمانان دیگر، تا آن که پیامبر خدا نماز ظهر و عصر را با هم خواند. مراسم بیعت ادامه یافت، تا آن که آن حضرت، نماز مغرب و عشاء را نیز با هم خواند و بیعت همچنان ادامه داشت. (9) و هرگاه که گروهی برای بیعت می آمدند، پیامبر می فرمود: حمد خدایی را که ما را بر جهانیان برتری داد. نیز نقل شده که :

عمر بیعت کرد و گفت : ای پسر ابوطالب، گوارا باد بر تو که مولای من شدی... و هر صحابی که به دیدار علی (علیه السلام) می آمد، آن گونه تهنیت می گفت. (10)

نقل دیگر: ... سپس رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در خیمه مخصوص خود نشست و به امیرالمؤمنین هم فرمود تا در خیمه دیگری بنشیند و به مردم فرمود که در خیمه اش، علی (علیه السلام) را تهنیت گویند. و چون مردم از تهنیت گویی فراغت یافتند، حضرت رسول همسران خود را فرمان داد که نزد علی (علیه السلام) رفته، به او تبریک گویند - و چنان کردند - از جمله کسانی از صحابه که تبریک گفتند، عمر بن خطاب بود که گفت : گوارا باد بر تو، ای فرزند ابوطالب! مولای من و مولای همه زنان و مردان مؤمن شدی. (11)

در (حبیب السیر) نیز نزدیک به همین مضمون آمده است. (12)

تهنیت گویی ابوبکر و عمر را، بخصوص ناقلان روایات و پیشوایان حدیث و تفسیر و تاریخ از اهل سنت آن قدر نقل کرده اند که نمی توان شمار آنان را نادیده گرفت، چه آنان که مساله را به صورت یک واقعه حتمی و قطعی نقل کرده و از مسلمات دانسته اند، و چه کسانی که با سندهای صحیح از تعدادی از صحابه، همچون ابن عباس، ابوهریره، براء بن عازب، زید بن ارقم و... نقل کرده اند. (13)

به روایت انس : رسول خدا (صلی الله علیه وآله) دست علی (علیه السلام) را گرفت و او را بر فراز منبر بالا برد و فرمود: خداوندا! این از من است و من از اویم، جز اینکه او نسبت به من همچون هارون نسبت به موسی است. آگاه باشید! هر کس را من مولای او بودم، این علی (علیه السلام) مولای اوست. علی (علیه السلام) با چشمانی پراشک از

صحنه بازگشت، عمر بن خطاب در پی او روان شد و به آن حضرت اینگونه تبریک و تهنیت گفت : (بخ بخ یا ابا الحسن ! اصبحت مولای و مولی کل مسلم).

و به روایت براء بن عازب : در حجه الوداع همراه پیامبر آمدیم تا به میان مکه و مدینه رسیدیم. حضرت فرمود آمد و دستور داد که همگان برای نماز فرود آیند. سپس دست علی (علیه السلام) را گرفت و فرمود: آیا من از مؤمنان نسبت به خودشان شایسته تر نیستم ؟ گفتند: چرا. فرمود: (پس من بر هرکس ولایت دارم، این علی، ولی اوست. خداوندا دوستدارانش را دوست بدار و با دشمنش دشمنی کن. هرکسی را که من مولای او هستم، علی مولای اوست). و این سخن را رسول خدا با رساترین صدا بیان می کرد.

پس از آن، عمر بن خطاب، علی (علیه السلام) را دیدار کرد و گفت : ای پس ابوطالب ! گوارا باد بر تو. اکنون مولای من و مولای هر زن و مرد مسلمان شدی «هَنِيئًا يَا بْنَ أَبِيطَالِبٍ أَصْبَحْتَ وَ أَمْسَيْتَ مُوَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤِمِّنَةٍ».

عید غدیر و عترت پیامبر (صلی الله علیه وآله)

تبریک گویی ولایت در غدیر که به فرمان حضرت رسالت بود و آن بیعت یاد شده و شادمانی رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) که فرمود: الحمد لله الذی فضلنا علی جمیع العالمین، و نزول آیه قرآن که به صراحت، این روز را روز اکمال دین و اتمام نعمت و خشنودی پروردگار به واقعه آن روز دانسته است، رمز عید بودن غدیر است. این نکته را حتی طارق بن شهاب مسیحی که در مجلس عمر بن خطاب حضور داشت فهمیده بود، که گفت: اگر این آیه (14) در میان ما نازل شده بود، روز نزول آیه را عید می گرفتیم (15) و هیچ یک از حاضران حرف او را رد نکردند و عمر نیز سخنی گفت که به نوعی پذیرش حرف او بود. و این پس از نزول آیه تبلیغ (16) بود که متضمن نوعی تهدید بود که پیامبر، به خاطر پرهیز و بیم از پیامدهای ابلاغ آن پیام آشکار از طرف امت، تاخیر در رساندن پیام الهی نکند.

همه این ویژگیها برای این روز بزرگ، موقعیتی والا و ارزشمند پدید آورد، آن چنان که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و ائمه هدی و مومنانی که پیرو آنان بودند، از موقعیت این روز شادمان بودند. مقصود ما از (عید گرفتن) این روز نیز همین است. خود حضرت رسول نیز به این نکته اشاره و تصریح فرموده است، از جمله در روایتی که می فرماید:

(روز غدیر خم، برترین اعیاد امت من است. روزی است که خدای متعال مرا فرمان داد تا برادرم علی بن ابی طالب را به عنوان پرچمی هدایتگر برای امتم تعیین کنم که پس از من به وسیله او راهنمایی شوند، و آن، روزی است که خداوند در آن روز، دین را کامل ساخت و نعمت را بر امتم به کمال و تمام رساند و اسلام را به عنوان دین، برایشان پسندید.)

کلام دیگر پیامبر که فرموده بود: (به من تهنیت بگویید، به من تهنیت بگویید) (17) نیز نشان دهنده همین عید بودن روز غدیر در کلام حضرت رسالت است.

خود امیرالمؤمنین (علیه السلام) در ادامه خط پیامبر، این روز را عید گرفت و در سالی که روز جمعه با روز غدیر مصادف شده بود، در ضمن خطبه عید فرمود:

(خداوند متعال برای شما مؤمنان، امروز دو عید بزرگ و شکوهمند را مقارن قرار داده است که کمال هر کدام به دیگری است، تا نیکی و احسان خویش را درباره شما کامل سازد و شما را به راه رشد برساند و شما را دنباله روکسانی قرار دهد که با نور هدایتش روشنایی گرفته اند و شما را به راه نیکوی خویش ببرد و به نحو کامل از شما پذیرایی کند. پس جمعه را محل گردهمایی شما قرار داده و به آن فراخوانده است، تا گذشته را پاک سازد و آلودگیهای جمعه تا جمعه را بشوید، نیز برای یادآوری مؤمنان و بیان خشیت تقوا پیشه گان مقرر ساخته است و پاداشی چند برابر پاداشهای مطیعان در روزهای دیگر قرارداد و کمال این عید، فرمانبرداری از امر الهی و پرهیز از نهی او و گردن نهادن به طاعت اوست. پس توحید خدا، جز با اعتراف به نبوت پیامبر (صلی الله علیه وآله) پذیرفته نیست و دین، جز با قبول ولایت به امر الهی قبول نمی شود و اسباب طاعت خدا جز با چنگ زدن به

دستگیره های خدا و اهل ولایت، سامان نمی پذیرد. خداوند در روز غدیر، بر پیامبرش چیزی نازل کرد که بیانگر اراده اش درباره خالصان و برگزیدگان است و او را فرمان داد که پیام را ابلاغ کند و از بیمار دلان و منافقان هراس نداشته باشد و حفاظت او را عهده دار شد...

(تا آن جا که فرمود:) رحمت خدا بر شما باد! پس از پایان این تجمع، به خانه ها برگردید و به خانواده خود، وسعت و گشایش دهید و به برادران خود نیکی کنید و خداوند را بر نعمتی که ارزانیان کرده سپاس گوئید، با هم باشید، تا خداوند هم متحدتان سازد، به یکدیگر نیکی کنید، تا خداوند هم الفت شما را پایدار کند، از نعمت الهی به یکدیگر هدیه دهید، آن گونه که خداوند بر شما منت نهاد، و پاداش آن را در این روز، چندین برابر عیدهای گذشته و آینده قرار داده است. نیکی در این روز، ثروت را می افزاید و عمر را طولانی می کند. ابراز عاطفه و محبت به هم در این روز، موجب رحمت و لطف خدا می شود. تا می توانید، در این روز از وجودتان خرج خانواده و برادرانتان کنید و در برخوردها و ملاقاتها ابراز شادمانی و سرور کنید...) (18)

ائمه اهل بیت، این روز را شناخته و شناسانده و آن را عید نامیدند و همه مسلمانان را به عید گرفتن آن دستور دادند و فضیلت آن روز و ثواب نیکوکاری در آن را بیان کردند.

فرات بن احنف می گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم : جانم فدایت !آیا مسلمانان عیدی برتر از عید فطر و قربان و جمعه و روز عرفه دارند؟ فرمود: آری !با فضیلت ترین، بزرگترین و شریفترین روز عید نزد خداوند، روزی است که خدا دین را در آن کامل ساخت و بر پیامبرش محمد (صلی الله علیه وآله) این آیه را نازل فرمود:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا). گفتم : آن کدام روز بود؟فرمود: هرگاه یکی از پیامبران بنی اسرائیل می خواست جانشین خود را تعیین کند و انجام می داد، آن روز را عید قرار می دادند. آن روز، روزی است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)، علی (علیه السلام) را به عنوان هادی امت نصب کرد و این آیه نازل شد و دین کامل گشت و نعمت خدا بر مؤ منان، تمام شد. گفتم : آن روز، کدام روز از سال است؟ فرمود: روزها جلو و عقب می افتد، گاهی شنبه است، گاهی یک شنبه، گاهی دوشنبه، تا... آخر هفته. گفتم : در آن روز، چه کاری سزاوار است که انجام دهیم ؟فرمود: آن روز، روز عبادت و نماز و شکر و حمد خداوند و شادمانی است، به خاطر منتی که خدا بر شما نهاد و ولایت ما را قرار داد. دوست دارم که آن روز را روزه بگیرید. (19)

حسن بن راشد از امام صادق روایت می کند که به آن حضرت عرض کردم : جانم فدایت ! آیا مسلمانان راجز عید فطر و قربان، عیدی است ؟فرمود: آری ای حسن ! بزرگتر و شریف تر از آن دو. پرسیدم : چه روزی است ؟فرمود: روزی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عنوان نشانه راهنما برای مردم منصوب شد. گفتم : فدای شما!در آن روز چه کاری سزاوار است که انجام دهیم ؟فرمود: روزه می گیری و بر پیامبر و دودمانش درود می فرستی و از آنان که در حقشان ستم کردند، به درگاه خدا تبری می جویی. همانا پیامبران الهی به اوصیاء خویش دستور می دادند روزی را که جانشین تعیین شده، (عید) بگیرند. پرسیدم : پاداش کسی که آن روز را روزه بگیرد چیست ؟فرمود: برابر با روزه شصت ماه است. (20)

نیز عبدالرحمان بن سالم از پدرش روایت کرده که : از حضرت صادق (علیه السلام) پرسیدم : آیا مسلمانان غیر از جمعه، قربان، فطر، عیدی دارند؟ فرمود: آری، عیدی محترم تر. گفتم : چه روز؟ فرمود: روزی که حضرت رسول (صلی الله علیه وآله)، امیرالمؤمنین را به امامت منصوب کرد و فرمود: (من کنت مولا فلهذا علی مولا). عرض کردم : آن روز، چه روزی است؟ فرمود: به روزش چه کار داری ؟ سال درگرددش است، ولی آن روز، هیجدهم ذی حجه است. پرسیدم : در آن روز چه کاری شایسته است انجام شود؟ فرمود: در آن روز، با روزه و عبادت و یاد کردن محمد و آل محمد، خداوند را یاد می کنید. همانا پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به امیرالمؤمنین توصیه فرمود که مردم این روز را عید بگیرند. پیامبران همه چنین می کردند و به جانشینان خود وصیت می کردند که روز تعیین جانشین را عید بگیرند. (21)

امام صادق (علیه السلام) نیز روزه غدیر خم را برابر با صد حج و عمره مقبول نزد خداوند می دانست و آن را (عید بزرگ خدا) می شمرد.

در (خصال) صدوق از مفضل بن عمر روایت آمده که : به حضرت صادق (علیه السلام) عرض کردم : مسلمانان چند عید دارند؟ فرمود: چهار عید. گفتم : عید فطر و قربان و جمعه را میدانم. فرمود: برتر از آنها روز هیجدهم ذی حجه است، روزی که پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله)، حضرت امیر (علیه السلام) را بلند کرد و او را حجت بر مردم قرار داد. پرسیدم : در این روز، چه باید بکنیم ؟ فرمود: با آن که هر لحظه باید خدا را شکر کرد، ولی در این روز، بشکرانه نعمت الهی باید روزه گرفت. انبیای دیگر نیز اینگونه به اوصیای خود سفارش می کردند که روز معرفی وصی را روزه بدارند و عید بگیرند.

در حدیث دیگری (22) امام صادق (علیه السلام) آن روز را روزی عظیم و مورد احترام معرفی کرده است که خداوند حرمت آن را بر مؤمنان گرامی داشته و دینشان را کامل ساخته و نعمت را بر آنان تمام نموده است و در این روز، با آنان عهد و میثاق خویش را تجدید کرده است. امام، غدیر خم را روز عید و شادمانی و سرور و روز روزه شکرانه دانسته که روزه اش معادل شصت ماه از ماه های حرام است.

در حدیثی دیگر است که، حضرت صادق (علیه السلام) در حضور جمعی از هواداران و شیعیانش فرمود: آیا روزی را که خداوند، با آن روز، اسلام را استوار ساخت و فروغ دین را آشکار کرد و آن را برای ما و دوستان و شیعیانمان عید قرار داد، می شناسید؟ گفتند: خدا و رسول و فرزند پیامبر دانایتر است، آیا روز فطر است ؟ فرمود: نه. گفتند: روز قربان است ؟ فرمود: نه، هرچند این دو روز، بسیار مهم و بزرگند، اما روز (فروغ دین) از اینها برتر است، یعنی روز هیجدهم ذی حجه... تا آخر حدیث.

فیاض بن محمد بن عمر طوسی در سال 259 (در حالی که خودش 90 سال داشت) گفته است که حضرت رضا (علیه السلام) را در روز غدیر ملاقات کردم، در حالی که در محضر او جمعی از یاران خاص وی بودند و امام، آنان را برای افطار نگاه داشته بود و به خانه های آنان نیز طعام و خلعت و هدایا، حتی کفش و انگشتر فرستاده بود و وضع آنان و اطرافیان خود را دگرگون ساخته بود و پیوسته فضیلت و سابقه این روز بزرگ را یاد می فرمود.

محمد بن علاء همدانی و یحیی بن جریح بغدادی می گویند: ما به قصد دیدار احمد بن اسحاق قمی (از اصحاب امام عسکری (علیه السلام) در شهر قم به درخانه اش رفته، در زدیم. دخترکی آمد. از او درباره احمد بن اسحاق پرسیدیم، گفت: او مشغول عید خویش است، امروز عید است. گفتیم: سبحان الله! عید شیعیان چهار تاست: عید قربان، فطر، غدیر و جمعه. (23)

پاسخی به یک دروغ

تا اینجا بحث، حقیقت این عید و ارتباط آن را با همه امت و سابقه آن را که به دوران پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می‌رسد، فهمیدیم. پس از عهد پیامبر نیز، عید گرفتن این روز، از امامی به امام دیگر رسیده است و امینان وحی الهی، همچون امام صادق و امام رضا (علیه السلام) آن را آشکار کرده و یادش را زنده نگهداشته اند. پیش از آنان هم امیرالمؤمنین (علیه السلام) احیاگر این عید بود.

سخن

و عمل امام صادق و امام رضا (علیه السلام) در زمانی بود که هنوز نطفه (آل بویه) بسته نشده بود و روایات این دو امام در تفسیر فرات و کافی که در قرن سوم تالیف شده اند، آمده است و اینگونه روایات، مدرک و منبع شیعه است که این روز را از دیر زمان عید گرفته اند، در سایه عمل به آن سخنان نورانی و طلایی امامان.

اکنون تعجب از (نویری) و (مقریزی) است که گفته اند این عید را معزالدوله در سال 352 پدید آورده است و آن را از بدعت‌های شیعه شمرده اند.

نویری ضمن برشمردن اعیاد اسلامی، گفته است: یک عید هم هست که شیعه آن را ساخته اند و نامش را عید غدیر گذاشته اند و سبب آن، عقد اخوتی بوده که پیامبر، میان خود و علی (علیه السلام) در روز غدیر خم بست و (غدیر) برکه ای است که آب چشمه در آن بریزد و اطرافش درخت‌های انبوه باشد. بین غدیر و چشمه، مسجد پیامبر است. روزی را که شیعه عید ساخته اند، هیجدهم ذی حجه است، چرا که آن برادری در حجه الوداع سال دهم هجری بود و اینان شب غدیر را با نماز زنده می‌دارند و فردایش، پیش از زوال، دو رکعت نماز می‌خوانند و شعارشان در این روز، پوشیدن جامه نو و آزاد کردن برده و نیکی به دیگران و قربانی کردن است و اولین کسی که این روز را عید قرار داد، معزالدوله بود (که اخبار او را در قضایای سال 352 خواهیم آورد). و چون شیعه، این عید را ساختند و از سنتها و مراسم خویش قرار دادند، عوام اهل سنت نیز در سال 389، مثل شیعیان روزی را روز شادی و جشن قرار دادند و آن را هشت روز پس از عید شیعه تعیین کردند و گفتند: این روز، روز داخل شدن پیامبر و ابوبکر به غار است و در این روز، زیورها و جشنها و آتش افروختنهایی را رسم نمودند... (24)

مقریزی نیز گفته است : عید غدیر، عید مشروعی نبوده و هیچ یک از پیشینیانی که مقتدای مردمند به آن عمل نکرده اند و اولین باری که در تاریخ اسلام دیده شده، در روزگار معزالدوله است که در سال 352 آن را بنا نهاد و شیعه نیز از آن پس، غدیر را عید قرار داد... (25)

چه می توان گفت درباره نگارنده ای که پیش از آن که حقیقت تشیع را بشناسد، درباره تاریخ شیعه می نگارد، یا آن که حقیقت را شناخته، ولی هنگام نگارش، آن را فراموش کرده است، یا به دلایلی از آن چشم پوشیده، یا آن که نمی فهمد چه می گوید، یا آن که به آن چه می گوید، بی اعتناست ! مگر مسعودی (م 346) نمی گوید: فرزندان و شیعیان علی (علیه السلام) این روز را گرامی می دارند؟ (26) مگر کلینی، راوی حدیث در کافی (م 329) و پیش از او فرات کوفی در تفسیرش آن را نگفته است ؟ این کتابها پیش از تاریخی که مقریزی گفته (یعنی 352) تالیف شده است. مگر فیاض بن عمر در سال 259 از آن خبر نداده و نگفته است که امام رضا (علیه السلام) را دیده است که این روز را عید می گرفت و فضیلت و سابقه اش را می گفت و آن را از پدرانش از امیرالمؤمنین نقل می کرد؟ مگر امام صادق (علیه السلام) (م 148) خبر از آن نداده و اینکه پیامبران پیشین هم روز نصب وصی را عید می گرفتند، آن گونه که سلاطین و امرا، روز به تخت نشستن خود را عید می گرفتند؟ امامان شیعه (علیه السلام) در دورانه های کهن و زمان خویش پیروانشان را به انجام کارهای نیک و دعا و عبادت در این روز دستور می دادند. حدیثی که از (مختصر بصائر الدرجات) نقل شد، نشان می دهد که در اوایل قرن سوم، غدیر از اعیاد چهارگانه مشهور شیعه بوده است.

این است حقیقت غدیر. اما آن دو نویسنده خواسته اند از شیعه ایراد بگیرند، آن سابقه شایسته را انکار کرده و غدیر را از بدعت های منسوب به معزالدوله دانسته اند و به خیال خود پنداشته اند که هیچ تاریخ شناسی سخن آنان را به نقد نخواهد کشید!...

تاج امانت

چون صاحب خلافت و ولایت، به منصب جانشینی پیامبر (صلی الله علیه وآله) معین شد، شایسته بود که تاجگذاری کند، همچنانکه سلاطین و امیران عادت دارند.

تاج های زرین و جواهرنشان، از نشانه های پادشاهان ایران بود و عرب، عمامه را جایگزین تاج ساخته بود. جز بزرگان و اشراف، عمامه بر سر نمی نهادند و دیگران بیشتر در صحرا و دشت، سر برهنه بودند، یا کلاه بر سر داشتند. عمامه نزد عرب، به منزله تاج نزد دیگران بود. از این رو

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نقل شده است که عمامه ها، تاج های عرب است «الْعَمَائِمُ تِيجَانُ الْعَرَبِ»

(27) و به عمامه، تاج می گفتند و افراد اندکی عمامه داشتند و هرگاه می خواستند کسی را به سروری و بزرگی برسانند عمامه ای سرخ بر سرش می نهادند. از لقبهای پیامبر نیز یکی (صاحب التاج) است، یعنی صاحب عمامه.

(28)

بر این اساس، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در روز غدیر، امیرالمؤمنین را به شکل خاصی عمامه بر سر نهاد که نشانگر شکوه و جلوه او باشد. به دست مبارکش، عمامه مخصوص خودش را (به نام سحاب) در برابر دیدگان آن جمع انبوه، بر سر علی (علیه السلام) نهاد، تا نشان دهد که این تاجدار، همچون خود رسول الله، حاکم و فرمانرواست، جز این که ابلاغگر از سوی آن حضرت و جانشین پس از اوست. از خود علی (علیه السلام) روایت است که: پیامبر اکرم روز غدیر خم بر سر من عمامه گذاشت و یک طرف آن را از پشتم آویخت (و در نقل دیگر: یک طرف آن را روی دوشم انداخت)... خداوند، روز جنگ بدر و حنین، مرا با فرشتگانی امداد کرد که این عمامه را بر سر داشتند. نیز از او روایت است که چون حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) عمامه بر سر علی (علیه السلام) نهاد، فرمود: برو، رفت، فرمود: بیا، آمد. آن گاه روی به اصحاب فرمود: تاج فرشتگان نیزه‌مین گونه است. (29)

این روز تاجگذاری، فرخنده ترین روز در اسلام و بزرگترین عید برای موالیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.

و در عین حال، یکی از عوامل و انگیزه های کینه توزی ناصبی ها با علی (علیه السلام) است.

تذکر:

(مولف بزرگوار، علامه امینی (ره) پس از این بحث، سخن مبسوطی پیرامون سند حدیث دارد. از آن جا که ممکن است برخی کج اندیشان و مغرضان نسبت به سند حدیث غدیر تشکیک کنند و آن را ضعیف بشمارند، مولف بر اساس مستندات فراوان، نظرات محققان و مولفان و صاحب نظران اهل سنت را که درباره حدیث و سند و رجال، اظهار نظر می کنند، آورده و از زمانهای کهن تا عصر حاضر را مورد بررسی قرار داده است که همه، حدیث را متقن و راویان آن را موثق شمرده اند.

تعابیری که در نوشته های آنان به کار رفته، متنوع است، از قبیل: حدیث حسن، صحیح، متواتر، مامون علیها، موافق بالاصول، ثابت، لاعرف له عله، اجماعی، مستفیض، مشهور، روثه الثقات، قویه الاسناد، حسان، لامریه فیه، اتفاق علیه جمهور اهل السنه، نص، المفیده للعلم، طرقة کثیره، رواه من الصحابه عدد کثیر و... که همه، حاکی از اعتبار این حدیث، بخصوص ذیل آن که مربوط به تهنیت گویی دوخلیفه به علی بن ابی طالب (علیه السلام) است، می باشد و پاسخی علمی و محققانه است به کسانی که حدیث غدیر یا ذیل آن را تضعیف و تشکیک کرده اند. این بحث گسترده و محققانه در ص 249 تا 313 کتاب آمده است.)

پی نوشت ها

1- از ص 267 تا 313 الغدیر، ج 1، چاپ سوم، دارالکتاب

العربی، بیروت و ص 503 از چاپ (مرکز الغدير للدراسات الاسلاميه)، قم.

2- حدیثهای متعددی به این مضمون از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) روایت شده است که : اگر علی (علیه السلام) را به امارت و پیشوایی بپذیرید - که فکر نمی کنم چنین کنید! - او را هدایت گری هدایت شده خواهید یافت که شما را به راه راست، رهنمون می گردد. (علامه امینی متن حدیثها و نشانیهای آن ها را از کتب : مسند احمد، تاریخ خطیب بغدادی، حلیه الاولیاء ابونعیم، کنز العمال هندی، مناقب خطیب خوارزمی، البدایه و النهایه ابن کثیر نقل کرده است).

3- علامه در اینجا به نقل دهها و صدها نفر از صحابه، تابعین و راویانی که حدیث غدیر را نقل کرده و آن را صحیح دانسته اند، پرداخته است.

4- از جمله : (الاثر الباقیه) بیرونی، ص 334، (مطالب السؤل) ابن طلحه شافعی، ص 53.

5- ر.ک : (وفیات) ابن خلکان، ج 1 ص 60، ج 2 ص 223.

6- همان.

7- (التنبیه و الاشراف)، مسعودی، ص 221.

8- (ثمار القلوب)، ثعالبی، ص 511.

9- (الولایه)، محمد بن جریر طبری، ص 214 تا 216، (مناقب علی بن ابی طالب)، احمد بن محمد طبری.

10- (مرآه المومنین)، ولی الله لکهنوی.

11- (روضه الصفا)، ابن خاوند شاه، ج 1 ص 173.

12- (حبیب السیر)، غیاث الدین، ج 1 ص 144.

13- در این قسمت، علامه امینی 60 مورد از متون حدیث و تاریخ را از منابع اهل سنت و عبارتهایشان را نقل می کند (از ص 272 تا 283 الغدير، ج 1، در چاپ مرکز

الغدير، ص 510) که چون اغلب مشابه یکدیگر است، از ترجمه یکایک آنها خودداری می شود. این موارد عبارتند از: (مصنف) ابن ابی شیبیه، ج 12، ص 78، (مسند) احمد بن حنبل، ج 4، ص 281، (مسند کبیر) ابوالعباس شیبانی، (مسند) ابویعلی موصلی، (تفسیر طبری)، ج 3 ص 428، (الولایه) ابن عقده کوفی، (سراقات الشعر)، مرزبانی بغدادی، (الابانه)، ابن بطه، (التمهید) باقلانی، ص 171، (شرف المصطفی) ابوسعید خرگوشی، (الکشف و البیان) ثعلبی، ذیل آیه 67 مائده، (الفصول المهمه) ابن صباغ مالکی، ص 25، (المناقب) ابن مغزلی، ص 232، (زین الفتی) احمد العاصمی، (فضایل الصحابه) سمعانی ص 272، (سرالعالمین) ابوحامد غزالی، ص 9، (الملل و النحل) شهرستانی، ج 1 ص 145. (مناقب) خوارزمی، ص 94. (نهایه) ابن کثیر، ص 178، (کفایه الطالب) کنجی

شافعی، ص 16. (تذکره) سبط بن جوزی، ص 18، (فرايد السمطين) حموينی) باب 13، ج 3 ص 113، (نظم در السمطين) زرندي، ص 109، (البدایه و النهایه) ابن کثیر شامي، ج 5 ص 229، (الخطط) مقریزی، ج 2، ص 223، (الفصول المهمه) ابن صباغ مالکی، ص 25، (جمع الجوامع) سیوطی ص 272، (وفاء الوفاء) سمهودی، ج 2 ص 173، (المواهب اللدنيه) قسطلانی، ج 2 ص 13، (لصواعق المحرقه) ابن حجر عقلانی، ص 26، (فیض القدير) مناوی شافعی، ج 6 ص 218،

(شرح المواهب) زرقانی، ج 7 ص 13، (الروضه النديه) صنعانی، ص 155، (تفسير شاهي) محمد محبوب العالم، (الفتوحات الاسلاميه) زینی دحلان، ج 2 ص 306، (کفایه الطالب) شنقيطی، ص 28 و... دیگران.

14-اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام دينا (مائده / 3).

15-به نقل مولفان صحاح اهل سنت همچون مسلم، مالک، بخاری، ترمذی و نسائی و نیز: تيسير الوصول 1/122، مشکل الآثار، ج 3 ص 196، تفسير طبري، ج 6 ص 46، تفسير ابن کثیر، ج 2 ص 13 و دیگران.

16-يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك... (مائده / 67).

17-شرف المصطفى، ابوسعید خرگوشي.

18-(مصباح المتجهد)، ص 524.

19-تفسير فرات بن ابراهيم كوفي، در سوره مائده.

20- (کافی)، ج 1 ص 303.

21-(کافی)، ج 1 ص 204.

22-(مصباح)، شيخ طوسي ص 513.

23-(مختصر بصائر الدرجات).

24-(نهایه الارب فی فنون الادب)، ج 1 ص 177.

25-(الخطط)، ج 2 ص 222.

26-(التنبيه و الاشراف)، ص 221.

27-(الجامع الصغير)، سیوطی، ج 2، ص 155.

28-(نور الابصار)، شبلنجی، ص 25.

29-ر.ك : (كنز العمال)، ج 8، ص 60، (معرفه الصحابه)، حافظ ابونعيم، (الرياض النضره)، ج 2 ص 217، (فرائد السمطين)، باب 12.